

حقوق زن در کلیسای ارمنی

دکتر آئیدا آوانسیان^۱

قبل از ورود در بحث اصلی راجع به حقوق زن از دیدگاه کلیسای ارمنی لازم می‌دانم توضیحاً ذکر کنم که در تهیه این مطلب منبع اصلی من کتاب "حقوق کلیسای ارمنی" (Hayotz Yegheghetzagan Iravunk-e) تألیف اسقف اعظم نرسس ملیک تانگیان (Nerses Melik Tangian) بوده است. چاپ اول این کتاب در سال ۱۹۰۳ میلادی منتشر شد و با وجود مجموعه‌های متفرقه قبلی راجع به حقوق کلیسای ارمنی، این کتاب نخستین مجموعه کامل منتشر شده است که احکام حقوقی کلیسای ارمنی را نه تنها با توجه به منابع موجود قبلی جمع‌آوری کرده بلکه با دیدگاه علمی - حقوقی معاصر به تفسیر این احکام پرداخته است. قابل توجه است که اسقف اعظم نرسس ملیک تانگیان سال‌های متمادی خلیفه ارمنه آذربایجان بوده و پس از تصویب قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در سال ۱۳۱۲، مقررات احوال شخصیه ارمنه گریگوری ایران را تدوین کرده و این احکام هم‌اینک نیز با تغییرات اندک در هر سه حوزه خلیفه گری ارمنه ایران اجرا می‌شود.

مطلب دیگری که باید اضافه کرد این است که گرچه مذهب اصلی در ارمنستان مذهب مسیحی گریگوری و کلیسای گریگوری که نام صحیح تر آن "کلیسای ارمنی حواریون مقدس" می باشد، کلیسای اصلی در ارمنستان است. بعد از استقلال ارمنستان نیز مقررات قانونی حاکم در ارمنستان ارتباط مستقیم با احکام حقوقی کلیسای ارمنی نداشته، بلکه در بسیاری از موارد ادامه قوانین موجود قبلی بوده است.

^۱ - رئیس شورای خلیفه گری ارمنه تهران.

بنابراین، آنچه در اینجا بررسی می‌شود رابطه مستقیمی با احکام حقوقی مورد اجرا در ارمنستان امروز ندارد بلکه در حدودی که مستقیماً به احوال شخصیه ارتباط پیدا می‌کند محل اجرای آن عمدتاً در کشورهایی است، مانند ایران، لبنان، سوریه، که در آن به حکم قوانین رسمی محلی، ارامنه عضو کلیسای ارمنی در امور مربوط به احوال شخصیه تابع قوانین و احکام مذهبی خود می‌باشند.

و اما لازمه ورود به بحث اصلی راجع به حقوق زن از دیدگاه کلیسای ارمنی ابتدا تعیین رابطه حقوق و قواعد حقوقی با دین و اصول دینی از دید کلیسای ارمنی است. میدانیم که هیچکدام از چهار انجیل مورد قبول کلیساهای رسمی، از جمله کلیسای ارمنی، حاوی احکام تفصیلی حقوقی در تنظیم روابط دنیوی و حقوقی افراد با یکدیگر نمی‌باشد. عیسی مسیح در خطبه‌های خود یک سلسله احکام اخلاقی را به عنوان اصول رفتاری افراد با خدا، با خود و با دیگران وضع و یا بیان کرده که این اصول بعدها مبنای قواعد و احکام حقوقی کلیسا را تشکیل داده است. بنابراین در حالیکه احکام و قواعد و آموزه‌های اخلاقی عیسی مسیح در تمام مذاهب مسیحی یکی و یکسان است ولی در برخورد عملی با واقعیت جامعه بیرونی، این احکام با توجه به شرایط و عرف جامعه ای که در آن اجرا می‌شده است انعکاس‌های متفاوت یافته و در نتیجه بدیهی است که روحانیون کلیسای ارمنی نیز که مدونین احکام حقوقی این کلیسا بوده‌اند نمی‌توانسته‌اند در تعبیر و تفسیر این احکام مستقل از شرایط و عرف ملی و محلی و مقتضیات زمان خود عمل نمایند و از این رو احکام حقوقی کلیسای ارمنی با حفظ مبانی بنیادی خود در طول زمان متحول شده و به شکل کنونی خود درآمده است. در این میان تحولات تاریخی و عواملی که ارمنستان و ارامنه و به تبع آن کلیسای ارمنی از آن متأثر بوده‌اند، از جمله سقوط حکومت مستقل ارمنستان، تقسیم سرزمینهای ارمنستان در میان کشورهای مجاور، ایجاد جوامع فئودال قرون وسطایی و تأثیرات فرهنگی اقوام همسایه و غالب را نیز باید در تحول و شکل‌گیری احکام کلیسای ارمنی مؤثر دانست.

اما با وجود کلیه عوامل مؤثری که قبلاً به آنها اشاره رفت، برای شکل‌گیری و تحول احکام حقوقی کلیسای ارمنی می‌توان دو منبع اصلی ذکر کرد:

(۱) منابع عمومی که در میان کلیه کلیساهای مسیحی مشترک است و آنها عبارتند از انجیل مقدس، عرف کلیسایی، آموزه‌های حواریون عیسی مسیح، تصمیمات سه مجمع جهانی کلیسایی (مورخ سالهای ۳۲۷، ۳۸۱ و ۴۳۱ میلادی) و ۶ مجمع منطقه‌ای و دستورات پدران مقدس مورد قبول کلیه کلیساهای مسیحی.

(۲) احکام و قواعد ملی یعنی منابعی که منحصراً ریشه ارمنی دارند و عبارتند از تصمیمات مجامع کلیسای ارمنی، دستورات پدران مقدس (خاص کلیسای ارمنی) دستورات جاثلیقها و مجموعه‌های حقوقی ملی که از این میان بطور اخص باید به کتاب "دادنامه" (*Dadastanagirk*) تألیف مخیتار گش (*Mekhitar Gosh*) در قرن ۱۲ میلادی اشاره کرد، گرچه اولین مجموعه احکام حقوقی کلیسای ارمنی در قرن پنجم میلادی تنظیم و در قرون بعدی نیز مجموعه‌هایی که متأسفانه عمدتاً از بین رفته‌اند تهیه شده است.

نرسس ملیک تانگیان (*Nerses Melik Tangian*) بنیادی‌ترین اصل حقوقی از دیدگاه کلیسای ارمنی را در خود انجیل و در این بنیادی‌ترین پیام عیسی مسیح می‌داند که "همدیگر را دوست بدارید" یا "دوست خود را همانگونه دوست بدار که شخص خود را" ملیک تانگیان (*Melik Tangian*) در این پیام عیسی مسیح اصل برابری همه افراد بشر با یکدیگر را می‌یابد یعنی اینکه اگر باید همه را یکسان دوست داشت پس همه افراد بشر مستقل از نژاد و رنگ و اعتقادات و جنسیت یا شرایط اجتماعی با یکدیگر برابرند.

آیا می‌توان از این قاعده کلی چنین برداشت کرد که: بنابراین زن و مرد نیز از دیدگاه کلیسای ارمنی از حقوق برابر برخوردار هستند؟ در متون قدیمه هیچ پاسخ صریحی به این سؤال نمی‌یابیم. اما شاید باید پاسخ را در احکام تفصیلی‌تر و در برخورد با موارد جزئی‌تر جست. به بعضی از این موارد ذیلاً می‌پردازیم.

برای سهولت بحث مطلب را به سه بخش اصلی زن و کلیسا، زن و جامعه و زن و خانواده تقسیم خواهیم کرد با این قید و توضیح در مورد احکام مذهبی حاوی ضمانت اجراهای دنیوی یعنی ضمانت اجراهایی بجز عبادت و توبه در جهان و مجازات اخروی در جهان دیگر که، عملاً محاکم شرعی و کلیسایی در ارمنستان قدیم اختیارات قابل توجه در رسیدگی به جرایم و تعیین و اجرای

مجازات نداشته‌اند و گرچه در مورد حدود اختیارات عملی محاکم شرعی کلیسایی بین مؤلفین اختلاف نظر است اما نظر غالب بر این است که اختیارات این محاکم محدود بوده و رسیدگی به تخلفات دنیوی افراد در اختیار حکام و محاکم دولتی بوده است که در بسیاری از موارد خود را چندان هم محدود و مقید به احکام و ضمانت اجرای کلیسایی و مذهبی نمی‌دانسته‌اند.

و اما بحث اصلی:

الف) زن و کلیسا

در احکام صرفاً عبادی و اخلاقی کلیسا تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. دستورات عبادی و تبعات عدم رعایت این احکام چه در این جهان و چه در جهان اخروی برای زن و مرد یکسان است اما از لحاظ موقعیت و نقش زن در سازمان کلیسا و در خرقه روحانیت تفاوت‌های عمده بین زن و مرد وجود دارد.

در حالیکه از زمان‌های قدیم، یعنی از همان ابتدای تأسیس کلیسای ارمنی در سال ۳۰۱ میلادی، ایجاد دیرهای خاص زنان تارک دنیا معمول بوده و زنان راهبه که رابطه خود را با جهان مادی قطع کرده و عهد بر عدم ازدواج و تشکیل خانواده دنیوی کرده و عمر خود را وقف عبادت نموده‌اند. در این دیرها دور از زندگی دنیوی سکونت گزیده و مشغول به عبادت بوده‌اند و گرچه ریاست این قبیل دیرها با مادران روحانی و در داخل سازمان دیر مدارجی برای خواهران روحانی منظور شده است ولی حکم قطعی کلیسا این بوده و هست که زنان حق ورود به محراب را ندارند.

گرچه به مرور زمان نقش زنان راهبه از عبادت صرف و دوری مطلق از زندگی دنیوی تغییر کرده و این زنان راهبه در فعالیتهای خیریه و خدمات اجتماعی و آموزشی نقش پیدا کرده‌اند، ولی منع ورود زنان به محراب کماکان باقی است و بنابراین حق انجام مراسم عشای ربانی و دیگر مراسم مذهبی از قبیل غسل تعمید و انجام عقد ازدواج به زنان داده نشده است. با وجود این از دیرباز حضور زنان در گروههای آواز کلیسایی و نیز خدمه زن که در حدی از مدارج کلیسایی (Sargavak) حق شرکت در انجام مراسم مذهبی از قبیل عشای ربانی را دارند در کلیسای ارمنی پذیرفته شده است.

با توجه به محدودیتهای فوق، زنان در کلیسای ارمنی از حق رسیدن به مدارج عالی روحانیت و رهبری مذهبی منع شده‌اند.

ب) زن و جامعه

در احکام مربوط به زندگی اجتماعی حکم خاصی در متون قدیمه که قائل به تفاوت عمده بین زن و مرد شود وجود ندارد. ما این قسمت از بحث را در چهار بخش پوشش زن، حق مالکیت، مسائل کیفری و بالاخره نقش سیاسی را مورد بررسی اجمالی قرار خواهیم داد.

۱. در احکام قدیمه در مورد چگونگی حضور زن در جامعه از جمله پوشش و لباس مناسب زنان برای حضور آنان در اجتماع هیچگونه حکم و محدودیت خاص وجود ندارد. تنها حکم موجود، دستور اخلاقی فاقد ضمانت اجرای دنیوی یا اخروی است که به نرسس شنورهای (Nerses Shenorhali) در قرن ۱۲ میلادی نسبت داده می‌شود و در آن می‌خوانیم:

"زنان با عفت باشید، چهره خود را با رنگ‌های گوناگون رنگ نکنید، دنبال سحر و جادو نروید، تکالیف خود را انجام دهید و با رفتار عفیفانه خود نمونه برای افراد کوچکتر از خود باشند".

بنابراین، در موضوع لباس و پوشش زن، کلیسا عملاً دستور خاص ندارد و موضوع را به عرف جامعه واگذار کرده است. از این رو است که اگر در لباس‌های محلی و سنتی زنان ارمنی لباس و پوشش خاصی را ملاحظه می‌کنیم این نه به حکم مذهبی بلکه به عرف اجتماعی باز می‌گردد. تنها قاعده که آن هم نه دستور مذهبی که عرف کلیسایی می‌باشد این است که زنان در کلیسا در هنگام انجام مراسم مذهبی باید سر خود را بپوشانند و مردان باید کلاه از سر بردارند.

۲. در احکام قدیمه کلیسای ارمنی هیچگونه حکم صریحی در مورد اینکه آیا زن می‌تواند مال مستقل داشته باشد یا خیر وجود ندارد ولی حکم صریحی نیز که زنان را از داشتن اموال مستقل و اداره کردن آن منع نماید موجود نیست. به علاوه قرائن نشان می‌دهد که از زمان‌های قدیم زنان در جامعه ارمنی حق تملک و اداره اموال خود را داشته‌اند و اگر عرفاً اموال دختر در خانواده پدری توسط پدر یا برادر اداره می‌شده و پس از ازدواج امور مالی خانواده با شوهر بوده است. این

امر جنبه حکم مذهبی نداشته و تابع عرف جامعه بالاخص در جوامع فئودالی بوده است؛ از جمله قرائنی که به آن اشاره کردیم می‌توان موارد ذیل را ذکر کرد:

(۱) زن حق ارث بردن از اولیا، اقربا، همسر و فرزندان خود دارد. بحث ارث را در جای دیگر در بحث حقوق زن در خانواده خواهیم کرد، ولی اگر زن حق ارث بردن دارد، به تبع آن باید حق تملک اموالی را که به ارث برده است نیز داشته باشد.

(۲) حکم صریح متون قدیمه است که عمل برخلاف وصیت متوفی ممنوع است و در مورد آنچه قابل وصیت است و موصی لهم هیچگونه محدودیت و ممنوعیتی در این متون یافت نمی‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که زن می‌تواند ذینفع وصیت تملیکی بوده و اموالی را اعم از منقول و غیرمنقول به حکم وصیت تملک نماید.

(۳) تنها حکمی که در متون قدیمه صریحاً به تملیک مال به زن اشاره می‌نماید، قاعده‌ای از احکام مصوب مجمع شاهابیوان (Shahabivan) در سال ۴۴۷ میلادی است که به موجب آن اگر مردی زن خود را که از او دارای فرزند می‌باشد به هر علتی به جزء زنا یا ایراد جسمانی طلاق دهد، باید نصف تمام اموال خود، اعم از عرصه و اعیان و آب و نیز نیمی از فرزندان مشترک را به زن بدهد. زن مطلقه حق ازدواج مجدد دارد ولی در این صورت باید آنچه را دریافت کرده است به خزانه دولت بدهد.

ملیک تانگیان (Melik Tangian) ایرادهای متعدد به این حکم مصوب مجمع شاهابیوان (Shahabivan) دارد از جمله دلیلی نمی‌بیند که زن در صورت ازدواج مجدد مجبور به دادن اموال دریافتی به خزانه دولت باشد و می‌گوید که گرچه شاید علت وضع این قاعده آن است که زن در صورت ازدواج مجدد از حمایت مالی همسر جدید برخوردار خواهد شد، اما این قاعده را غیرعادلانه می‌داند و منع مذهبی در اینکه اموال مزبور در مالکیت زن بماند نمی‌بیند.

۳. در احکام کیفری تفاوت خاصی بین زن و مرد چه در مقام مرتکب و چه در مقام متضرر از جرم به نظر نمی‌رسد. در متون قدیمه حکم کلی و اصلی حاکم بر مجازات کیفری یکی از تصمیمات مجمع شاهابیوان (Shahabivan) در سال ۴۴۷ میلادی است که مقرر می‌نماید.

"هر کس، اعم از زن یا مرد، که جادوگری کند، از دین خارج شود یا اعمال خطا انجام دهد، اگر پشیمان نشود و توبه نکند باید طبق دستور متون مقدس سنگسار شود"، آنچه در این حکم جالب توجه است این است که مجازات دنیوی، یعنی سنگسار کردن، حتی در مورد جرایم عمده از قبیل

قتل عمد نیز فقط در صورتی تجویز می‌شود که مرتکب توبه نکند و اما در مورد اینکه چگونه باید توبه کرد و مراحل مختلف توبه در ارتباط با هر کدام از جرایم عمده چیست؟

تنها مورد دیگری که شاید به علت ماهیت جرم فقط خاص زنان است، خودفروشی و سقط جنین می‌باشد که در متون قدیمه مجازات دنیوی آن ده سال توبه تعیین شده است.

۴. در مورد حقوق سیاسی زن، متون قدیمه اصولاً ساکت هستند. در تاریخ می‌خوانیم که در دوره های خاص از تاریخ ارمنستان مسیحی زنان قدرتمندی در رأس امور سیاسی قرار گرفته‌اند. اما اینکه برخورد کلیسا با این امر چگونه بوده است، اطلاعات قابل توجهی که بتواند ما را در نتیجه گیری کلی یاری دهد در دست نیست. آنچه می‌توان تقریباً بطور قاطع گفت این است که کلیسا حکمی در منع شرکت زنان در زندگی سیاسی ندارد. جالب توجه است که در دو متن سیاسی / مذهبی که یکی در روسیه تزاری در سال ۱۸۳۶ تصویب و پولوژنیا (Polojenia) خوانده شد و دیگری در سال ۱۸۶۳ (یعنی ۲۷ سال بعد) در ترکیه عثمانی به تصویب رسید و اساسنامه ملی (Azgayin Sahmanadrautun) نام گرفت و نقش عمده هر دو نظم بخشیدن و اداره زندگی مذهبی / اجتماعی جامعه ارامنه در دو کشور مزبور بود، از لحاظ حقوق سیاسی زن دو برخورد متفاوت به چشم می‌خورد. چنانکه در حالی که در پولوژنیا صریحاً حق انتخاب کردن و انتخاب شدن تخصیص به مردان دارد، «اساسنامه ملی» از این لحاظ قائل به تفاوت بین زنان و مردان نشده و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را به همه افراد جامعه ارامنه داده است، وجود این تفاوت نشان می‌دهد که محدودیت حق انتخاب در پولوژنیا ناشی از حکم مذهبی نبوده بلکه از عرف زمان و مکان برخاسته است. امروز در امور اداری جامعه ارامنه زنان در انتخاب کردن و انتخاب شدن دارای حق برابر با مردان می‌باشند.

ج) زن و خانواده

این بخش از مطلب را در چهار بخش ازدواج، طلاق، قیمومت، حضانت اطفال و ارث بررسی خواهیم کرد.

۱. در مسائل حقوقی / مذهبی مربوط به امر ازدواج حقوق زن و مرد عمدتاً برابر است. ذیلاً به بعضی از نکات عمده در این زمینه به اختصار می‌پردازیم.

- در مورد سن ازدواج احکام مذهبی در زمان های متفاوت تغییرات اندک داشته ولی نهایتاً با تصمیم مجمع مذهبی سیس (Sis) در نیمه اول قرن ۱۳ میلادی سن مذهبی ازدواج برای دختران ۱۲ سال و برای پسران ۱۴ سال تعیین شده است.
- گرچه حکم اولیه این بوده که برای ازدواج دختر اجازه اولیا لازم است، از قرن ۱۲ به بعد، به حکم نرسس شنورهالی (Nerses Shenorhali) رضایت اولیای زن و مرد هر دو لازم دانسته شده و ازدواج بدون رضایت آنان قبیح و قابل ابطال است.
- از زمان نرسس شنورهالی در قرن ۱۲ میلادی معاینه و اطمینان از سلامت جسمی زن و مرد قبل از ازدواج لازم دانسته شده است.
- نه زن و نه مرد را نمی توان ملزم به ازدواج نموده و رضایت شخصی هر دو برای ازدواج ضروری است.
- در ازدواج برای زن مهر پیش‌بینی نشده و اصولاً هر گونه مبادله مالی در امر ازدواج قبیح دانسته شده است.
- ازدواج دوم اصولاً تشویق نمی شود و ازدواج سوم به بعد صریحاً قبیح دانسته شده است.
- گرچه در بعضی از مناطق ارمنستان تعدد زوجات مدتها مرسوم بوده در حدی که حتی در احکام «دادنامه» مخیتار گش (Mekhitar Gosh) نیز اثراتی از آن می بینیم. کلیسا این امر را در ابتدا قبیح دانسته و نهایتاً صریحاً منع کرده است.
- ۲. اصل در احکام مذهبی کلیسا بر منع طلاق است، از قواعد موضوعه نرسس شنورهالی در قرن ۱۲ میلادی است که «دستور الهی در مورد جدایی ناپذیری زن و مرد حفظ خواهد شد. به جز به علت زنا و سایر علل مذکور در احکام پدران مقدس، به هیچ دلیلی نمی توان زن را طلاق داد».
- جالب توجه است که تقریباً در تمام متون قدیمه صحبت از طلاق دادن زن شده است و اشاره ای به این که زن نیز حق طلاق دادن شوهر را داشته باشد نیست. در این خصوص مطلبی که به بارسخ (Barsegh) کبیر (قرن ۴ میلادی) نسبت داده می شود جالب توجه است. در این قاعده می خوانیم «مردی که ازدواج کرده است اگر با زن دیگری رابطه داشته باشد، زنا تلقی می شود و باید به مدت طولانی توبه کند. زن نباید چنین مردی را طلاق دهد

ولی مرد، اگر پاک است می‌تواند زن گناهکار را طلاق بدهد. این که چرا حکم در مورد هر دو یکسان نیست، نمی‌دانم، عرف چنین است.»

- در متون بعدی، در احکام نرسس شنورهالی در قرن ۱۲ میلادی، در متن یک قاعده مذهبی به هر دو، یعنی به زنی که شوهر خود را طلاق داده و مردی که زن خود را طلاق داده است برخورد می‌کنیم و از این می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که به مرور کلیسا پذیرفته است در موارد معدودی که حق طلاق وجود دارد، این حق در شرایط مساوی برای هر دو مرد و زن یکسان باشد.

- نتیجه‌گیری نهایی ملیک تانگیان (Melik Tangian) از تاریخ تحول قواعد مذهبی در امر طلاق این است که قواعد مذهبی کلیسای ارمنی طلاق را فقط در موارد (۱) زنا، (۲) ایراد فیزیکی که مانع رابطه زناشویی باشد و (۳) در صورت بیش از ۷ سال غائب بودن یکی از زوجین تجویز می‌نماید و این قواعد در مورد هر دو زن و مرد به طور یکسان اجرا می‌شود.

- قابل توجه است که به مرور با تفسیر سه قاعده‌ی بنیادی فوق، موارد دیگری نیز به سه مورد مزبور اضافه شده است، مانند اجازه طلاق در صورت اعتیاد یا دائم الخمر بودن؛ چه این قبیل ایرادات به نوعی ایراد فیزیکی که طلاق را قابل توجیه می‌نماید تلقی شده‌اند.

در هر حال در احکام کلیسای ارمنی:

- (۱) طلاق فقط با اجازه محکمه شرعی و عالی‌ترین مقام مذهبی خلیفه‌گری مربوط تجویز می‌شود. این حق ابتدا فقط حق انحصاری جاثلیق بوده و بعدها به ملاحظات عملی به عالی‌ترین مقام مذهبی حوزه مربوطه تفویض شده است.
- (۲) طلاق در همه شرایط و به هر علت قبیح است.
- (۳) ازدواج مجدد زوجین مطلقه با یکدیگر منع شده است و
- (۴) در صورت طلاق، ازدواج مجدد چه برای مرد و چه برای زن فقط در صورت اجازه صریح کلیسا مجاز می‌باشد. این قاعده که در زمان نرسس شنورهالی در قرن ۱۲ میلادی تأسیس شد، تاکنون نیز در کلیسای ارمنی رعایت می‌شود و در گذشته بسیار نزدیک دادن اجازه ازدواج در انحصار جاثلیق بود تا آن که به علل عملی این اختیار به عالی‌ترین مقام مذهبی حوزه هر خلیفه‌گری که معمولاً خلیفه حوزه مربوطه است تفویض شد.

(۵) همانگونه که گفته شد زن در احکام کلیسای ارمنی مهر ندارد ولی در صورتی که در طلاق مقصر نباشد، شوهر مکلف است هزینه امرار معاش وی را تا هنگام فوت با ازدواج مجدد بپردازد.

۱. در امر قیمومیت و حضانت اطفال و محجورین احکام کلیسای ارمنی به شرح ذیل است:

(۱) در صورت فوت پدر، حق قیمومیت با مادر است و در صورت در قید حیات یا واجد شرایط اخلاقی نبودن مادر، جد پدری حق قیمومیت طفل یا محجور را پیدا می‌کند. این قاعده در احوال شخصیه ارامنه ایران به تبعیت از احکام آمره قانون مدنی تغییر کرده و حق قیمومیت مادر فقط در صورت در قید حیات نبودن جد پدری شناخته شده است.

(۲) در صورت طلاق حق حضانت اطفال صغیر، اعم از ذکور یا اناث، با مادر است مگر در صورت ازدواج مجدد مادر یا واجد شرایط اخلاقی نبودن وی که در این صورت پدر می‌تواند با مراجعه به محکمه شرع و به حکم محکمه مزبور حضانت صغیر را پیدا کند. در همه این شرایط حق ولایت پدر نسبت به اطفال صغیر محفوظ است و پدر تکلیف دادن نفقه کافی برای هزینه معاش فرزندان صغیر را دارد.

۲. در امر ارث ذیل احکام کلیسای ارمنی حقوق زن عمدتاً تفاوتی با حقوق مرد ندارد. به چند نکته اصلی در این امر اشاره می‌کنیم:

(۱) فرزند دختر و پسر با سهم مساوی از اولیای خود ارث می‌برند.

(۲) پدر و مادر به سهم مساوی از فرزندان و برادر و خواهر به سهم مساوی از برادر یا خواهر خود ارث می‌برند.

(۳) زن در صورت داشتن فرزند از شوهر خود، به سهم مساوی با فرزندان ارث می‌برد.

(۴) در صورتی که زن از شوهر متوفای خود فرزند نداشته باشد از اموال غیرمنقول غیراجدادی متوفی یک هفتم و از ترکه منقول به میزان دو سوم حق ارث دارد. این قاعده که عمدتاً ریشه در اعتقادات فئودالی داشته و کمتر ریشه مذهبی دارد. عمدتاً در احکام احوال شخصیه کلیسای ارمنی تغییر کرده و حکم قواعد احوال شخصیه ارامنه ایران در این مورد آن است که در این شرایط زن از کل ماترک شوهر به نسبت دو سوم ارث می‌برد.

(۵) در امر وصیت حق زن و مرد برابر است و زن نیز مانند مرد می‌تواند نسبت به کلیه اموال حین‌الفوت خود با تنظیم وصیت‌نامه تعیین تکلیف نماید، با این قید که هیچکس نمی‌تواند نسبت به اموالی که خود آنها را از اجداد خود به ارث برده است از طریق وصیت تعیین تکلیف کند.

